

## باسمه تعالی

- ۱..... **أرجحیت بحث از شرایط و احکام نماز جمعه**
- ۲..... **بحث بر مبنای کتاب شرایع**
- ۲..... اسقاط ظهر به وسیله ی نماز جمعه
- ۳..... مسامحه در تعبیر یسقط
- ۳..... توجیه تعبیر «یسقط»
- ۳..... مناقشه در توجیه
- ۴..... جمع بین افضلیت جمعه و احوطیت ظهر
- ۴..... خواندن نماز ظهر قبل از جمعه
- ۵..... استحباب جهری خواندن قرائت در نماز جمعه

**موضوع:** خصوصیات و احکام نماز جمعه / نماز جمعه / صلوات

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه ی گذشته استاد بعد از مناقشه در بیان محقق خویی رحمه الله مبنی بر تفصیل بین اقامه و حضور، در آخر قول به وجوب تخییری نماز جمعه (اقامه و حضور) را پذیرفتند.

**أرجحیت بحث از شرایط و احکام نماز جمعه**

محقق خویی فرموده بود که چون سید بحث نماز جمعه را قسمت بقیة الصلوات مطرح نکرده است ما مطرح می کنیم<sup>۱</sup>. ایشان مفصل در مشروعیت آن بحث کرد و واجب تعیینی بعد از اقامه را نیز مطرح کرد، تعجب است که چرا سایر شرایط نماز جمعه را مطرح نکرده است؟! البته بحث قرائت را در برخی از مسائل مطرح کرده است ولی به نحو کامل، که خطبتین لازم است و در خطبه ها چه باید بگویند و وقت خطبه ها کدام است را مطرح نکرده است. به ذهن ما مناسب این است که باید سایر مسایل مربوط به آن نیز بحث می کردند. شاید مومنین و شاگردان گفته اند که نماز جمعه نمی خوانیم و بحث از آن لازم نیست. به نظر می رسد با آن مبنایی که دارند مناسب بود که بقیه شرایط را بحث کنند. به ذهن ما این است که شرایط را بحث کنیم.

۱ موسوعة الامام الخوئی، السید أبو القاسم الخوئی، ج ۱، ص ۱۳.

## بحث بر مبنای کتاب شرایع

اول به ذهنمان رسید که از منهای بحث کنیم ولی دیدیم آن نیز مختصر است. لذا از این به بعد این قسمت را طبق شرایع بحث می‌کنیم که بسیار خوب بحث کرده است و خود صاحب جواهر نیز بسیار مفصل مطرح کرده است.

### اسقاط ظهر به وسیله ی نماز جمعه

صاحب شرایع در بیان احکام نماز جمعه می‌نویسند:

«الجمعة رکعتان كالصبح يسقط معهما الظهر»<sup>۱</sup>

اولین مسئله این است که نماز جمعه دو رکعت است نماز ظهر با آن ساقط می‌شود. دو رکعت بودن نماز جمعه بحث ندارد و از مسلمات شریعت است. روایات متواتری هم داریم که جمعه دو رکعت است و در مقابل ظهر است.

«وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع... إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجُمُعَةُ رَكَعَتَيْنِ مِنْ أَجْلِ الْخُطْبَتَيْنِ جُعِلَتَا مَكَانَ الرَّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَهِيَ صَلَاةٌ حَتَّى يَنْزِلَ الْإِمَامُ»<sup>۲</sup>

در شرایع فرموده است نماز جمعه دو رکعتی است که موجب سقوط خواندن نماز ظهر می‌شود. این مطلب را نیز در ضمن مباحث گفتیم که اگر نماز جمعه مشروع باشد بلااشکال مجزی است. در شبانه روز ۵ نماز بیشتر واجب نیست. در آن روایت هم که ۳۵ نماز در هفته شمرده شده بود، در روز جمعه ظهر را نفی کرد. حتی برخی گفته اند که اصلاً ظهر در روز جمعه مشروع نیست. ما این را نمی‌گوییم و هر دو را مشروع می‌دانیم؛ بر مکلف واجب است یا دو رکعت یا دو خطبه بخواند و یا اینکه چهار رکعت نماز ظهر بخواند. بنابراین شکی نیست که در صورت خواندن نماز جمعه، نماز ظهر ساقط می‌شود. اگر می‌بینید کسی در رساله اش نوشته است که احوط، خواندن نماز ظهر است<sup>۳</sup>، بدین دلیل است که مشروعیت آن را قبول ندارند، لذا احوط را اعاده ی نماز ظهر می‌دانند مانند محقق بروجردی که در رساله عملیه احتیاط واجب داده است. هر کسی احتیاط واجب کند معنایش این است که من در مشروعیت اشکال دارم. اگر کسی مشروعیت را قبول کرد، معنا ندارد که اجزاء را قبول نداشته باشد.<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup> شرایع الإسلام، جعفر بن الحسن بن یحیی (المحقق الحلی)، ج ۱، ص ۸۳.

<sup>۲</sup> من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۱۷.

<sup>۳</sup> رساله توضیح المسائل، بروجردی، ص

<sup>۴</sup> هدایه العباد، صافی، ج ۱ ص ۱۷۴.

## مسامحه در تعبیر یسقط

تعبیر محقق در شرایع که فرموده است «تسقط بها نماز ظهر»، این تعبیر خوب نیست. محقق همدانی نیز این نکته را یادآور می شود که این تعبیر خوب نیست. اسقاط در جایی است که نماز ظهر واجب اصلی باشد و با خواندن نماز جمعه ساقط شود در حالی که اینگونه نیست. مثلاً در نماز جماعت می گویند که مسقط تکلیف است زیرا حمد و سوره ندارد؛ ما قبول نکردیم و گفتیم که از اول همان نماز جماعت فرض است. به نظر ما جامع واجب شده است بین اینکه شخص با جماعت بخواند یا فرادی بخواند. اولویت و افضلیت در خواندن نماز جماعت است نه اینکه اصل نماز فرادی باشد و جماعت مسقط آن باشد. جامع بین دو نماز واجب شده است اگر نگوئیم از اول تشریحش جماعتی است. جامع بین نماز فرادی و جماعت واجب شده است. نماز جماعت افضل الافراد است نه اینکه مسقط است. اینجا نیز همینگونه است. بنابر تخییر، جامع بین ظهر و جمعه واجب شده است و نماز جمعه افضل افراد است نه اینکه مسقط و خوب نماز ظهر باشد. اینکه مرحوم محقق می گوید که «تسقط بهما صلاة الظهر»، تعبیر مناسبی نیست.

## توجیه تعبیر «یسقط»

اللهم الا ان يقال که کسی بگوید این تعبیر به لحاظ تشریح اولیه است که غالب ایام را ملاحظه کرده است. در تشریح اولیه در غالب ایام چهار رکعت نماز ظهر آمده است و با نوافل ۵۱ رکعت می شود. آن جعل اولیه که تشکیل دهنده ی ۱۷ رکعت است نماز ظهر بوده است، بعد نماز جمعه تشریح می شود. شاید در ذهن مبارک ایشان این بوده است.

## مناقشه در توجیه

لکن از روایات خلاف این تعبیر استفاده می شود. در روایات ما که تتبع کردیم، که آن چیزی که خداوند واجب کرده دو رکعت است، رسول الله دو رکعت را در غیر جمعه اضافه کرده است؛ از اول هم آن دو رکعت اضافه بوده است. اصل تشریح بر همان دو رکعتی است. این روایاتی که هفته را ملاحظه کرده است و جمعه را به حساب آورده است، اقرب به ذهن این است که از اول اضافه ی رسول الله در غیر جمعه بوده است. لذا تشریح اولیه به ضمیمه ازدیاد رسول الله حاصلش این شده است که مکلف در روز جمعه مخیر است دو رکعت و دو خطبه بخواند و یا اینکه یک نماز ظهر بخواند؛ البته این دو خطبه هم در روایت داریم که به جای دو رکعت است و مشمول آن ۱۷ رکعت می شود.<sup>۱</sup>

۱ من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۴۱۷.

ما هر چه فکر کردیم نتوانستیم به این باور برسیم که تشریح اولیه در کل ایام هفته چهار رکعت باشد که سیاست اقتضاء کرده باشد که دو رکعت از آن را بیندازند؛ لذا نکته ی محقق همدانی که فرموده است: تعبیر تسقط مناسب نیست، درست است. البته این بحث ها خیلی مهم نیست. مهم این است که با خواندن نماز جمعه نیازی به نماز ظهر نیست.

## جمع بین افضلیت جمعه و احوطیت ظهر

یک نکته ای را باید تذکر می دادیم و اکنون اشاره می کنیم. نماز جمعه مجزی از ظهر است و علاوه بر آن، افضل افراد نماز آن روز است. روایاتش هم وارد شده است که چه مقدار دارای ثواب است و افضل افراد نماز روز جمعه است. گرچه نماز ظهر بعد از خواندن نماز جمعه، یا حتی در صورت نخواندن آن، احوط است. یکی از جاهایی که یک عملی افضل است و عمل مقابل احوط است اینجاست. مشابه آن هم در فقه داریم که نماز در اماکن اربعه است. تمام خواندن آن افضل است ولی قصر احوط است. وجه جمع آن هم این است که افضل بودن آن به لحاظ مقام ثبوت است؛ چرا که فضایل زیادی برای آن نقل شده است. احوط بودن آن نیز به لحاظ فراغ ذمه و مقام اثبات است. احتیاط یعنی اینکه فراغ ذمه بیاورد. نماز تمام افضل است، در برخی تعبیرا آمده است: «ان فی الزیاده فضلا»؛ ولی شاید هم آن حرف فقهاء درست نباشد؛ زیرا فضیلت زیاد خواندن در مقام اثبات یقینی نیست. قصر خواندن یقین به فراغ را همراه دارد لذا احوط است ولی تمام خواندن مطابق احتیاط نیست. اگر که کسی تمام بخواند و مطابق واقع در اید فضیلت بیشتری دارد. در این مسئله نیز چنین است. نماز جمعه افضل در مقام ثبوت است ولی به دلیل اینکه شبهه حرمت و عدم مشروعیت داشت، یقین نداریم که اگر جمعه را خواندیم فراغ ذمه حاصل شده باشد. بر خلاف نماز ظهر که با خواندن آن یقینا فراغ ذمه حاصل می شود. اگر کسی جمعه را خواند و بعد از آن ظهر را بخواند یقینا فراغ ذمه پیدا می کند. و گفتنی نیست که کسی بگوید نماز ظهر اینجا مفید نیست.

## خواندن نماز ظهر قبل از جمعه

در زمانی که هنوز جمعه خوانده نشده است حکم خواندن نماز ظهر چیست؟ محقق خوئی می فرماید باز هم این نماز ظهر صحیح است. زیرا درست است که نماز جمعه تعیینی واجب است (ایشان حضور بعد از اقامه را واجب تعیینی می داند) ولی می فرماید: صحت نماز ظهر نیز با ترتب درست می شود. ترتب می گوید اگر نماز جمعه نمی خوانید، ظهر را بخوانید. وجوب نماز ظهر در حالی که نماز جمعه اقامه شده است و شما هم قدرت بر خواندن دارید، با تمسک به ترتب، فعلیت دارد. در هنگام

۱. ر ک : وسائل الشیعه، الشیخ الحر العاملی، ج ۸، ص ۵۳۴، أبواب، باب، ح، ط آل البیت.

زوال شمس دو خطاب داریم: یک خطاب می گوید نماز جمعه واجب تعیینی است. یک خطابات می هم داریم که وجوب تعیینی ظهر در زمان غیبت از آن استفاده شده است.

بنابر اینکه بگوییم وجوب تعیینی دارد، و وجوب نماز ظهر را با ترتب درست کنیم مطابق احتیاط نیست. از کجا معلوم که بر فرض وجوب تعیینی نماز جمعه، وجوب ظهر هم ملاک داشته باشد؟ این نظر مطابق احتیاط نیست. بنابر وجوب تعیینی نماز جمعه، اگر نماز ظهر را قبل از نماز جمعه بخوانیم احوط نیست. اما بنابر قائلین به وجوب تخییری نماز جمعه، در حالی که نماز جمعه برگزار است و ما می توانیم نماز جمعه را بخوانیم، آیا خواندن نماز ظهر در اول وقت، احوط هست یا نیست؟! نماز ظهر ما مطابق احتیاط هست یا نیست؟: اگر کسی از آن قرائتی که بر تخییر آمد، مثل لو کان لبان، با این یقین رسید و گفت که احتمال وجوب تعیینی نماز جمعه نیز نمی رود، اگر کسی مثل ما اطمینان پیدا کرد که وجوب تعیینی ندارد، خواندن نماز ظهر در اول وقت، در زمان غیبت می شود احوط؛ زیرا نماز جمعه در اصل مشروعیت آن شبهه دارد. اما اگر کسی گفت که ما اطمینان به عدم وجوب تعیینی نماز جمعه نداریم، ولو اینکه حجت داریم واجب تخییری است، در اینجا نماز ظهر احوط نخواهد بود. در اینجا دیگر احوط بودن با نماز ظهر سازگاری ندارد زیرا چه بسا کلام شهید ثانی درست باشد که نماز جمعه وجوب تعیینی دارد و خواندن نماز ظهر مشروعیت ندارد. در این صورت دیگر هیچ کدام از ظهر یا جمعه احوط نخواهد بود زیرا هر کدام یک شبهه ای دارند. لذا احوط در این فرض این است که شخص صبر کند تا وقت نماز جمعه بگذرد و بعد نماز ظهر خود را بخواند. البته احوط کامل این است که نماز جمعه را بخواند و بعد نماز ظهر را بخواند. مرحله ی بعدی احوط این است که اگر کسی می خواهد یک نماز را بخواند، نماز جمعه را نخواند تا زمانی که وقت آن بگذرد کما هو مسلک العلماء و الفضلاء و بعد نماز ظهر را بخواند.

کسی نگوید که خواندن هر دو نماز احوط نیست، به دلیل اینکه در مشروعیت آن شبهه است؛ زیرا در جواب گفته می شود خواندن رجایی نماز جمعه و احتیاط در خواندن آن هیچ شبهه ی حرمتی ندارد. اینکه چیزی را که بسیاری از علماء آن را مطابق احتیاط واجب دانسته اند حرام باشد، محتمل نیست.

بنابراین اولین حکمی را که محقق در نماز جمعه فرموده است این است که دو رکعت است.

## استحباب جهری خواندن قرائت در نماز جمعه

مرحوم محقق در ادامه می فرماید: مستحب است که در این دو رکعت جهر در قرائت شود:

«الجمعة ركعتان كالصبح يسقط معهما الظهر و يستحب فيهما الجهر»<sup>۱</sup>

می دانیم که نماز ظهر در سایر ایام اخفاتی است، نماز ظهر در ظهر جمعه اختلافی است؛ برخی جهر آن را جایز می دانند و برخی جایز نمی دانند. ولی در مورد نماز جمعه اختلافی نیست که جهر به قرائت نماز جمعه مستحب است. حتی ادعای اجماع نیز شده است<sup>۲</sup>. علاوه بر اجماع نیز روایات عدیده ای داریم که «یجهر فیها» در آن ها آمده است. برخی از روایات را ذکر می کنیم:

« عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ مِثْلَهُ وَ زَادَ وَ الْقِرَاءَةَ فِيهَا جَهْرًا وَ الْغُسْلُ فِيهَا وَاجِبٌ - وَ عَلَى الْإِمَامِ فِيهَا قُنُوتَانِ - قُنُوتٌ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى قَبْلَ الرَّكُوعِ - وَ فِي الثَّانِيَةِ بَعْدَ الرَّكُوعِ »<sup>۳</sup>.

در باب ۷۳ ابواب قرائت نیز روایات زیادی مبنی بر جهری خواندن قرائت در نماز جمعه موجود است.

مرحوم حاج آقا رضا همدانی چندی از این روایات را ذکر کرده است<sup>۴</sup>:

« إِنَّ مَا ذَكَرْنَاهُ مِنْ وَجوبِ الْإِخْفَاتِ فِي الظُّهْرِ فَإِنَّمَا هُوَ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَ أَمَّا يَوْمُ الْجُمُعَةِ فَيَسْتَحَبُّ الْإِجْهَارُ فِي الْأُولَيْنِ مِنْ ظَهْرِهِ عَلَى الْأَطْهَرِ الْأَشْهَرِ، كَمَا يَدُلُّ عَلَيْهِ أَخْبَارٌ مُسْتَفِيضَةٌ: مِنْهَا: صَحِيحَةُ الْحَلْبِيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَصَلِّي الْجُمُعَةَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ أَوْ يَجْهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ؟ قَالَ: «نَعَمْ، وَ الْقُنُوتُ فِي الثَّانِيَةِ».

و صحیحته الأخرى أو حسنته، قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن القراءة في الجمعة إذا صليت وحدي أربعا أجهر بالقراءة؟

فقال: «نعم» و قال: «اقرأ سورة الجمعة و المنافقين في يوم الجمعة»

و خبر محمد بن مسلم عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: قال لنا: «صلوا في السفر صلاة الجمعة جماعة بغير خطبة، و اجهروا

بالقراءة» فقلت: إنه ينكر علينا الجهر بها في السفر، فقال: «اجهروا».

و خبر محمد بن مروان قال: سألت أبا عبد الله عليه السلام عن صلاة الظهر يوم الجمعة كيف نصليها في السفر؟ فقال: «تصليها

في السفر ركعتين، و القراءة فيها جهرا»<sup>۱</sup>

۱ شرائع الإسلام، جعفر بن الحسن بن يحيى (المحقق الحلي)، ج ۱، ص ۸۳.

۲ جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، ج ۶، ص ۱۰۷.

۳ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۷، ص ۲۹۶، أبواب، باب، ح، ط آل البيت.

۴ مصباح الفقيه، رضا همدانی، ج ۱۲، ص ۲۵۸.

این روایات از لحاظ سند و دلالت آنقدر تمام هستند که شبهه‌ی وجوب پیدا کرده است. بحثی را صاحب جواهر مطرح کرده است که ظاهر امر وجوب است. جمله‌ی خبریه «یجهر فیها» در مقام انشاء ظاهر در وجوب است.<sup>۱</sup> ایشان می‌فرماید: اینکه محقق می‌فرماید مستحب است با ظاهر روایات سازگار نیست. اینکه اجماع بر خلاف داریم هم نمی‌تواند دلیل تامی باشد زیرا این مسئله وجوب یا استحباب بین گذشتگان بحث نشده است. آن‌ها هم به تبع روایات فقط گفته‌اند «یجهر» و بحث از وجوب یا استحباب آن نکرده‌اند. بعد از ایشان نیز محقق همدانی می‌فرماید: «فوجوب الجهر اقوی لأقل انه أحوط»<sup>۲</sup> انشاءالله در جلسه‌ی آینده به ادامه بحث می‌پردازیم.

۱ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملی، ج، ص، أبواب القرائه فی الصلاه، باب ۷۳، ح ۳، ط آل البیت.

۲ جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، ج ۶، ص ۱۰۷.

۳ این تعبیر در کلمات محقق همدانی یافت نشد. آنچه از کلام ایشان در این زمینه وارد شده است حمل بر استحباب است: «و ظاهر هذه الأخبار خصوصاً الأخيرین منها: الوجوب، و لکنه یتعین حملها علی الاستحباب؛ لعدم معروفيّة القول بالوجوب عن أحد، بل قد یظهر من خبر محمد بن مسلم، المتقدم مخالفة الإجهار فی غیر الجمعة المشتملة علی الخطبتین - أي صلاة الجمعة التي یشرط فیها الحضور و الخطبتان - لسيرة المسلمين بحيث كان يعدّ فعله لديهم من المنکرات، مع قضاء العادة بأنّه لو كان الإجهار فی ظهر يوم الجمعة واجبا، لصار من حيث عموم الابتلاء به من ضروریات الدین فضلا عن أن یكون خلافه معروفا بین المسلمين. نعم، هذه المعروفيّة لا تنافی استحبابه؛ إذ ربّ مستحبّ یصیر مهجورا فی العادة لعلّة مقتضیة لاختیار خلافه، ألا ترى اشتها القوی باستحبابه قديما و حديثا؟ مع استقرار السيرة بخلافه بحيث يعدّ الإجهار فی أنظار العرف من المنکرات. و الحاصل: أن معروفيّة الإخفات بین المسلمين و اشتها القوی بعدم وجوب الجهر بین العلماء من غیر نقل خلاف فيه بل نقل الإجماع علیه دلیل قطعی علی عدم وجوبه، فلا بدّ حينئذ من حمل الأمر الوارد فی الأخبار المزبورة علی الاستحباب». مصباح الفقيه، ج ۱۲، ۲۶۰.